

# تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

علیرضا حیدر نژاد<sup>۱</sup>، قاسم قنبری<sup>۲</sup>، علی‌اکبر مجدی<sup>۳</sup>، علی کریمی‌خوزانی<sup>۴</sup>

از صفحه ۵۱ تا ۷۲

## چکیده

زمینه و هدف: پیوندهای اجتماعی جوانان، آنان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند و سبک زندگی خاصی را به آنان پیشنهاد می‌کنند. بنابراین بررسی چگونگی این روابط اجتماعی و نیز گرایش آنان به خرده فرهنگ‌های خاص در نوع زندگی آینده آنان جزو عوامل تعیین کننده خواهد بود. هدف این پژوهش تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی می‌باشد.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ نوع تحقیق، کمی است که از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق ساخته است. روایی پرسشنامه از طریق اعتبار صوری انجام، و پایایی نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (سرمایه اجتماعی ۰/۸۱) و تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف (۰/۸۹) مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها توسط آزمون‌های آماری ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیری با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن (اعتماد، انسجام، مشارکت و تعهد) با تمایل به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف رابطه معناداری وجود ندارد. میان پایبندی به تعهدات دینی (۰/۳۷۵-) و شناخت و تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف (۰/۳۵۱) با تمایل به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف رابطه معنادار معکوس مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به رابطه معکوس پایبندی به تعهدات دینی با تمایل به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش پایبندی به تعهدات دینی در میان جوانان می‌توان از تمایل آنان به گروه‌های انحرافی کاست.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، تمایل به عضویت، پایبندی به تعهدات دینی، خرده فرهنگ منحرف.

۱- استادیار رشته جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. رایانامه: alirezahaydarnejad@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: ghasemghanbari60@yahoo.com

۳- استادیار رشته جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. رایانامه: majdi@um.ac.ir

۴- استادیار رشته مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. رایانامه: alikarimikhozani@gmail.com

کمیت و کیفیت روابط اجتماعی بر کیفیت زندگی (مشمول بر کیفیت زندگی عینی و ذهنی) افراد تأثیر مهمی دارد. بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی ابعاد تازه‌ای یافته و مورد مذاقه بیشتری قرار گرفته است. کیفیت و کمیت روابط اجتماعی جوانان تعیین‌کننده فرصت‌های آینده آنان در زمینه‌های گوناگون زندگی خواهد بود. پیوندهای اجتماعی افراد، آنان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهند و سبک زندگی خاصی را به آنان پیشنهاد می‌کنند. بنابراین بررسی چگونگی این روابط اجتماعی و نیز گرایش آنان به خرده‌فرهنگ‌های خاص نظیر خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی در نوع زندگی آینده آنان جزو عوامل تعیین‌کننده خواهد بود. جوانان به عنوان یک سازه اجتماعی، فرهنگی و زیستی که زمینه‌ساز و پاسخگوی تغییرات اجتماعی هستند به موضوعی جاذب و محوری در گفتمان‌های مختلف در حوزی عمومی تبدیل شده‌اند فردگرایی، تمایزطلبی، استقلال‌جویی و مصلحت‌گرایی به عنوان سویه‌هایی اصلی هویتی و ارزشی طیف رو به افزایشی از جوانان است (ذکایی، ۱۳۹۶: ۹).

گروه‌های جوانان اشخاص توانمندی هستند که دارای هنجارهای خاص خود بوده و ممکن است به صورت کامل از قواعد اجتماعی پیروی نکنند گاه خرده فرهنگ‌های جوانی باعث مسایل اجتماعی شده و نگرانی بزرگ‌ترها را به همراه خواهد داشت. خرده فرهنگ خیابانی جوانان معمولاً با لغزش‌های اجتماعی- فرهنگی در ارتباط است این خرده فرهنگ‌ها هنجارهای واقعی جوانان را نشان می‌دهند پدیده‌ای مثل مدگرایی همیشه برای جوانان یک خرده فرهنگ بوده و گاه برای آن‌ها یک نوع سرنوشت عالی را ایجاد می‌کند. جوانان هر طبقه اجتماعی از لحاظ فرهنگی و رفتاری متفاوت از دیگر طبقات هستند (ربانی، ۱۳۹۳: ۵۲). گرایش جوانان و نوجوانان به باورها و ارزش‌هایی که مغایر فرهنگ حاکم بر جامعه هستند مانع تحقق بهینه کارکرد آموزش و پرورش می‌شود. باید توجه داشت که اگر در یک فرهنگ، عناصر مضر و مبتذل به هنجار و ارزش تبدیل شوند آنها نیز فرهنگ را تشکیل می‌دهند؛ یعنی فرهنگ یک جامعه تغییر کرده است و هنجارها و ارزش‌های کارکردی و مفید جای خود را به ارزش‌های مبتذل و مخرب داده‌اند و عده‌ای توانسته‌اند هنجارهای مخرب را به ارزش تبدیل کنند. تحقیقات

نشان داده‌اند که پذیرش عناصر فرهنگی بیگانه توسط اعضای یک جامعه در طول زمان و به تدریج صورت می‌گیرد، یعنی تمام اعضای یک جامعه همزمان عناصر فرهنگی جدید را نمی‌پذیرند، بلکه به ترتیب و در طول زمان آن را می‌پذیرند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱: ۲۵). به عبارت دیگر ابتدا تعداد کمی از افراد ایده جدید را می‌پذیرند، سپس بیشتر آنها مطلوب بودن را می‌پذیرند. از سوی دیگر استفاده از نمادها و هنجارها و سایر عناصر می‌تواند زمینه را برای پذیرش اعتقادات مربوط نیز فراهم آورد. کاهش سرمایه اجتماعی پیامدهایی را به دنبال دارد که یکی از آنها جهت‌گیری‌های خودخواهانه است. انتظار می‌رود که افراد یک جامعه به سمت جهت‌گیری‌های خودخواهانه و منافع شخصی به جای حقوق و تعهدات متقابل که ترکیب پیچیده‌ای از جهت‌گیری خودخواهانه و دگرخواهانه است پیش بروند. پیامد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، افزایش فساد و انحرافات اجتماعی در سطح جامعه است.

بنابراین اگر برای شناسایی وضعیت این گروه‌ها در میان جوانان و نوجوانان آگاهانه اقدام نکنیم و در صورت تمایل جوانان و نوجوانان به هنجارها و اعتقادات این گروه‌ها موارد مورد علاقه و علل و عوامل آن را شناسایی نکنیم و به طراحی راه‌ها و روش‌های تغییر آن بپردازیم، فرهنگ‌های گروه‌های منحرف خارجی به فرهنگ حاکم در بین جوانان و نوجوانان و سایر نوجوانان تبدیل خواهد شد که با اهداف نظام آموزشی کاملاً مغایر است و آثار و پیامدهای آن سلامت جسمانی و روانی جوانان و نوجوانان و امنیت نظام اجتماعی را به شدت تهدید خواهد کرد (فاریابی، ۱۳۹۶: ۶۷). از طرفی فقدان یا ضعیف بودن سرمایه اجتماعی به انزوای فرد و فردگرایی منفی منجر شده که نهایتاً موجب گرایش جوان به سوی گروه‌های منحرف خارجی می‌شود. همچنین سرمایه اجتماعی و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد بین نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که به همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی منجر می‌شود. امروزه صاحب‌نظران بر این باورند که سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هزینه فعالیت‌ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد. هر چند بررسی تأثیر روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) بر روی مسایل اجتماعی موضوع تازه‌ای نیست، اما آزمون واقعی سرمایه

اجتماعی به عنوان یک سازه مفهومی منجر به شکل‌گیری بینش‌های تازه‌ای در روابط اجتماعی و تأثیر این بینش‌ها بر زندگی افراد می‌شود. از این رو مسئله پژوهش این است که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی خانواده و تمایل جوانان و نوجوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف وجود دارد. شناخت و درک درست از وضعیت روابط اجتماعی می‌تواند به ما در درک بهتر علل تمایل جوانان و جوانان به خرده فرهنگ گروه‌های منحرف یاری رساند.

از طرف دیگر ورود عناصر فرهنگی خرده فرهنگ‌های منحرف خارجی، رپ، هوی متال و نظایر آن یکی از مصادیق بازار اشاعه فرهنگی است، که به علت ماهیت نامتقارن تحمیلی و سلطه‌گرانه‌اش حالت یک هجوم فرهنگی را به خود گرفته است و مردم و مسئولین جامعه را به شدت نگران نموده است. جوانان و نوجوانان به سبب ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی بیشتر از سایر اقشار اجتماعی در معرض این تهاجم قرار دارند و ممکن است به خاطر عدم جامعه‌پذیری کامل در مقایسه با میانسالان و بزرگسالان مقاومت کمتری در مقابل آن از خود نشان دهند. امروزه در شهرهای بزرگ جمعیت قابل توجهی از جوانان در پوشش و آرایش وضع ظاهر خود از این گروه‌ها خرده فرهنگ‌ها پیروی می‌کنند و برخی از رفتارهای فردی و اجتماعی آنها را نیز تقلید می‌کنند. وسایل پیشرفته ارتباطی در دوران جدید به یک سلاح فرهنگی تبدیل شده‌اند. کشورهای صنعتی پیشرفته این سلاح را با هدف گسترش و تثبیت سلطه خویش به کار می‌برند تا ساختار فرهنگی ملت‌های دیگر را تغییر دهند و باورهای آنان را در راستای الگوهای مورد نظر خود شکل دهند و با فرسایش فرهنگی و انحطاط و سقوط فرهنگی آنها، فرهنگ خود را به فرهنگ جهانی تبدیل نمایند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۵). در این چنین زمینه‌ای رسالت فرهنگی - تربیتی آموزش و پرورش به عنوان مهمترین متصدی رسمی حفظ و انتقال فرهنگ، که مسئولیت انتقال فرهنگ و تربیت بخش اعظم نوجوانان جامعه را به عهده دارد، ایجاب می‌کند که مصادیق این جریان را در میان جوانان و نوجوانان شناسایی نماید و مکانیزم‌ها و سازوکارهای تحقق عملی آنها را بیابد تا بتواند با مصون‌سازی فرهنگی آنها را در برابر این جریان مقاوم نماید و هویت فرهنگی آنان را حفظ نماید (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶). بر این اساس، سؤال اصلی

پژوهش این است، که آیا بین سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی رابطه‌ای وجود دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از نظر مفهومی شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی دانست که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهد (چلبی، ۱۳۹۵: ۴۴). سرمایه اجتماعی از جمله نظریاتی است که از طریق تلفیق نظریات جرم‌شناسی با بحث‌های سطح خرد و کلان در مورد ساختارها و شبکه‌های اجتماعی به تبیین آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. از آنجایی که بیشتر مسائل اجتماعی برآمده از روابط اجتماعی هستند، نظریه‌های مورد استفاده در این پژوهش برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف نظریه سرمایه اجتماعی کلمن و نظریه پیوند اجتماعی هیرشی و نظریه پیوند افتراقی ساترلند می‌باشند.

پاتنام<sup>۱</sup> نیز سرمایه اجتماعی را، ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد می‌داند که افراد به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند (پاتنام، ۱۳۷۷: ۲۵۱). از نظر او سرمایه اجتماعی سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل و مشارکت را ایجاد می‌کند و بر اثر فقدان آن به عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، حيله و ... منجر می‌شود. یکی دیگر از نظریه‌پردازان فوکویاما<sup>۲</sup> است که معتقد است سرمایه اجتماعی با اعتماد رابطه تنگاتنگی دارد. هر قدر شعاع اعتماد در یک گروه گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی زیادتر خواهد بود و به تبعیت آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه افزایش خواهد یافت. از نظر او فقدان سرمایه اجتماعی باعث بروز نابهنجاری و انواع انحرافات اجتماعی و فروپاشی نهادهای مهمی نظیر خانواده را در پی خواهد داشت. هبدايگ خرده‌فرهنگ را به عنوان نشانه‌ای برای اعتراض به روابط و جایگاه خویش در جامعه می‌داند که در مد و سبک تجلی پیدا می‌کند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱).

1 - Putnam

2 - Fukuyama

کلمن از رابطه بین نوجوانان و والدینشان به‌عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی خانواده یاد می‌کند. این سرمایه شامل میزان علاقه‌ای است که نوجوانان به والدینشان دارند و با آنها صمیمی‌اند، به‌عبارتی دیگر کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و به‌طور کلی میزان روابط بین والدین و فرزندان شاخص‌های سرمایه اجتماعی خانواده هستند (رایت<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۱: ۱). در تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی، نظام خانواده مفهومی بنیادی به‌شمار می‌رود. از آنجایی که سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های فعالیت‌ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است. کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی بر مبنای کارکرد آن تعریف می‌شود و ذات واحدی نیست بلکه مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون است که دو عنصر مشترک دارد: اول اینکه همه آنها مشتمل بر جنبه‌ای از ساختار اجتماعی‌اند، دوم اینکه برخی کنش‌های کنشگران را در محدوده ساختار تسهیل می‌کنند (تاجبخش، ۱۳۹۰: ۵۰). او معتقد است که سرمایه اجتماعی به صورت ذاتی در درون روابط و بین کنشگران وجود دارد و قادر است در هر سطح از تراکم جمعیتی ایجاد شود (پارسل و مناگان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳: ۱۲۶). کلمن بیشتر توجه خود را به سرمایه اجتماعی موجود در قلمرو خانواده معطوف کرده است. در نظریه کلمن عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی خانواده، یکی شبکه‌هاست که عنصری عینی است و دیگری هنجارها که عنصری ذهنی است (رایت و فیتزپاتریک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۱۴۴۳). به نظر کلمن یکی از سازوکارهایی که در درون خانواده‌ها برای رسیدن به اهداف به کار برده می‌شود، ایجاد و حفظ پیوندهای عاطفی پایدار است. وابستگی عاطفی تعهد تولید می‌کند و تعهد و علاقه اجتماعی نیز عناصر اصلی تشکیل‌دهنده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی‌اند. پس بدون نوع وابستگی عاطفی نظم هنجاری غیرممکن است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از ویژگی‌های اصلی همبستگی اجتماعی‌اند، همگی در وابستگی عاطفی ریشه دارند. هرگاه تعامل به‌ویژه تعامل اجتماعی تداوم پیدا کند به رابطه اجتماعی تبدیل می‌شود و این رابطه باعث وابستگی عاطفی می‌شود. افزون بر

1 - Write

2 - Parsel &amp; Menaghan

3 - Wright &amp; Fitzpatrick

رابطه اجتماعی، در بستر تعاملات اجتماعی، نوعی جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن نیز صورت می‌پذیرد (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۰).

### تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف از نظر مفهومی به معنی استفاده آگاهانه از هنجارها و نمادهای گروه همراه با پذیرش آگاهانه اعتقادات گروه است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷). نگرش علمی به خرده‌فرهنگ و مطالعه و بررسی خرده‌فرهنگ‌های منحرف از اوایل دهه ۱۹۲۰ توسط گروهی از جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان در شیکاگو آغاز شد و این زمانی بود که مسئله دسته‌های جوانان خیابانی و گروه‌های منحرف در جامعه مطرح بود. شاید بتوان گفت در سطح جهانی اولین مطالعه علمی در زمینه نگرش خرده‌فرهنگی به انحرافات توسط مکتب شیکاگو صورت پذیرفته است. در دهه ۱۹۲۰ با استفاده از این دیدگاه شاو و مک‌کی نظریه‌های ساختار و خرده‌فرهنگی را در زمینه مسائل اجتماعی به کار بردند. مطالعه خرده‌فرهنگ‌ها یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها برای شناخت و بررسی انحرافات به‌شمار می‌رود. خرده‌فرهنگ در حقیقت نمایانگر ارزش‌ها، هنجارها، گرایش‌ها و تمایلات رفتاری است. اساساً یک راه مناسب برای دستیابی به تفاوت‌های موجود در رفتارهای اجتماعی گروه‌های مختلف، بررسی خرده‌فرهنگ آنهاست. خرده‌فرهنگ‌ها در حقیقت تجلی تأثیرپذیری و جامعه‌پذیری افراد در جامعه کنونی است که دارای ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های مختلفی هستند (امین صارمی، ۱۳۸۹: ۳۲).

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر جنبه‌هایی از نظریه پیوند اجتماعی هیرشی است. بدین معنی که از برخی از مؤلفه‌هایی نظریه او در فرایند شاخص‌سازی و نیز در تبیین رابطه سرمایه اجتماعی خانواده و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های انحرافی استفاده شده است. هیرشی موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌کند. وی بر این اعتقاد است که کج‌رفتاری زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف شده یا گسسته شود. پیوند اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری افراد از کجروی اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۳۷). واپایش اجتماعی و پیوندهای اجتماعی یعنی عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی، عناصر ضروری نظریه پیوند

اجتماعی هیرشی می‌باشند (سلمی و کیویووری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۲۲۶). هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود شامل وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی است. نظریه هیرشی حاکی از آن است که کاهش دل‌بستگی و صمیمیت در روابط متقابل اعضای خانواده بر میزان بزهکاری تأثیر مثبت دارد (احمدی، ۱۳۹۴: ۹۰).

در نظریه پیوند افتراقی، ساترلند معتقد است افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیش از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است. براساس نظریه او می‌توان گفت که کج‌رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به‌ویژه در چارچوب خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. ساترلند در نظریه خود معتقد است که انحرافات در قالب گروه‌های نخستین نظیر گروه دوستان یا خانواده آموخته می‌شود. وی انحراف را به تفاوت ارتباطات مربوط می‌داند. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبه‌کارانه هستند، منحرف یا تبه‌کار می‌شوند. ساترلند خرده‌فرهنگ‌ها را چارچوبی می‌داند که به واسطه آن فرد از ارزش‌های جاری اجتماع فاصله گرفته و در فضایی قرار دارد که قانون‌شکنان و منحرفان برای او مهیا کرده‌اند و این همنشینی خودبه‌خود زمینه‌های گرایش به انحراف را در او به وجود می‌آورد (امین صارمی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

رحیمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود که درباره بررسی مظاهر و پیامدهای تهاجم فرهنگی در آموزش و پرورش و راه‌های مقابله با آن انجام داده، به این نتیجه رسیده است که البسه و لوازم‌التحریر نمانام‌دار خارجی و انواع آن، اصلاح و آرایش موی سر به سبک غربی و گوش دادن به موسیقی‌های تند غربی و تماشای فیلم‌های غیرمجاز، همچنین روابط آزاد دختر و پسر و شرکت در مجالس رقص و پارتی به عنوان مظاهر تهاجم فرهنگی غرب در بین دانش‌آموزان قلمداد شده‌اند. واحدی و محمدی‌آریا (۱۳۹۱) در پژوهشی که درباره بررسی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی انجام داده، به این نتایج رسیده است که چهار متغیر استفاده از رادیوی داخلی، از خود بیگانگی، پایبندی به مذهب، میزان صمیمیت والدین و حضور در هیئت‌های مذهبی و مداحی دارای بیشترین توان پیش‌بینی‌کنندگی متغیر وابسته بود. طالبی (۱۳۹۲) در پژوهشی درباره بیگانگی ارزشی جوانان، به بررسی آرایش و نحوه



عملکرد گروه‌ها و نهادهای فرهنگی و شناسایی ضعف‌های ساختاری در عملکرد نظام فرهنگی و تأثیر آن بر تعلقات ارزشی دانش‌آموزان می‌پردازد. وی نتیجه می‌گیرد بین نحوه ارتباط و همکاری فرد با گروه‌ها و نهادهای فرهنگی و بیگانگی ارزشی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین بین استفاده از رسانه‌های خارجی و بیگانگی ارزشی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. هموزاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی که درباره پدیده مدگرایی جوانان انجام داده، به این نتیجه رسیده که مبنای عمل جوانان در پیروی از مد دو گونه است: جوانانی که مدگرایی آنان به معنای پیروی از خرده‌فرهنگ گروه‌های مطرود حاشیه‌ای است و جوانانی که معنای عمل‌شان از مد صرفاً جنبه خودآرایی یا خودنمایی دارد. حیدری چروده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان و علل نابهنجاری‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان انجام داده نشان می‌دهد، خودپنداره و تصویر اجتماعی مثبت از خود و تقید دانش‌آموزان به عبادت، برکجروی درون مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای تأثیر کاهنده دارد. از سوی دیگر بالا بودن میزان اوقات فراغت و وضعیت مساعد اقتصادی خانواده‌ها با دو نوع کجروی درون مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای رابطه مثبت معناداری را نشان داده است. مهرعلی (۱۳۹۵) در پژوهشی که درباره بررسی علل گرایش برخی از جوانان به گروه‌های نابهنجار انجام داده، به این نتایج رسید که شناخت نحوه تأثیر عوامل اجتماعی نظیر خانواده، دوستان مدرسه و رسانه‌های جمعی و طبقه اجتماعی بر گرایش جوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی رابطه معناداری دارد. مبارکی (۱۳۹۷) در پژوهشی که درباره تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان انجام داده، به این نتیجه رسیده که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد رابطه منفی و معناداری بین سرمایه اجتماعی و جرایم غیر مختوم به زندان وجود دارد. همچنین مشخص گردیده که اگر چه سرمایه اجتماعی به طور مستقیم بر روی جرم تأثیر می‌گذارد ولی این شاخص بیشترین تأثیرش را بر روی جرم از طریق ایجاد آنومی و به صورت غیر مستقیم گذاشته است.

رایت و فیتپاتریک (۲۰۰۶) رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و رفتار بزهکارانه را بررسی کرده‌اند. با استناد به نظریه کلمن یافته‌های آنان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی خانوادگی در طول زمان میزان بزهکاری را کاهش می‌دهد. آنها همچنین نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی خانواده کنش متقابل و سطح وظایف را افزایش می‌دهد و

مبنایی برای واپایش اجتماعی غیررسمی فراهم می‌سازد. سلمی و کیویووری (۲۰۰۷) در پژوهش خود با کنترل شاخص‌های سطح فردی و ساختاری سرمایه اجتماعی به بررسی رابطه دو متغیر سرمایه اجتماعی و جرم جوانان پرداخته‌اند؛ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد، هنگامی که متغیرهای سطح فردی و ساختاری (مثل خودکنترلی) کنترل شده باشد، پایین بودن حمایت ازسوی والدین، پایین بودن کنترل از سوی معلم و پایین بودن اعتماد بین اشخاص با رفتار بزهکارانه همبستگی دارد. کنترل از سوی والدین، حمایت معلمان و پیوند بین نسلی با بزهکاری، تنها در مدل‌های دو متغیره همبستگی دارد. به نظر می‌رسد پیوندهای ضعیف والدین که باعث پیوند نوجوانان به بازار کار پاره وقت می‌شود آنها را در مقابل خطر بزهکاری حمایت نمی‌کند. سیگرت و وینکل<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری را در پیشگیری از جرم در خانواده‌های کم درآمد ایفا کند. نتایج تحلیل نشان می‌دهند که سه عنصر سرمایه اجتماعی - مشارکت اساسی در انجمن‌های مستأجران، هنجارهای اجتماعی مستأجر و سازمان رسمی بلوک - همگی با کاهش انواع جرائم در بلوک‌های که ۶ تا ۱۲ ماه پس از سنجش سرمایه اجتماعی تحت بررسی بودند ارتباط داشتند. در نتیجه تأثیر سرمایه اجتماعی با ساختارهای جانشین مالکیت، ویژگی‌های بلوک و سیاست‌های درون خانواده ارتباط داشت. تروستل<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) در پژوهشی که درباره همبستگی میان گرایش به موسیقی هوی‌متال و تمایل به باورهای خرافی در میان جوانان انجام داده بود به این نتیجه رسید که بین ترجیح موسیقی هوی‌متال و تشدید اعتقادات جادویی و خرافات روابط معناداری وجود دارد. هال و جفرسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان مقاومت از طریق مناسک به تبیین صورت‌های نمادینی می‌پردازند که خرده‌فرهنگ‌های پس از جنگ جهانی دوم مثل تدها<sup>۴</sup>، کله پوستی‌ها<sup>۵</sup>، راکرها<sup>۶</sup> و پانک‌ها<sup>۷</sup> به کمک آن با نظام اجتماعی موجود درگیر می‌شوند.

1- Saegert & Winkel

2 -Trostel

3 - Hall & Jefferson

4 -Teds

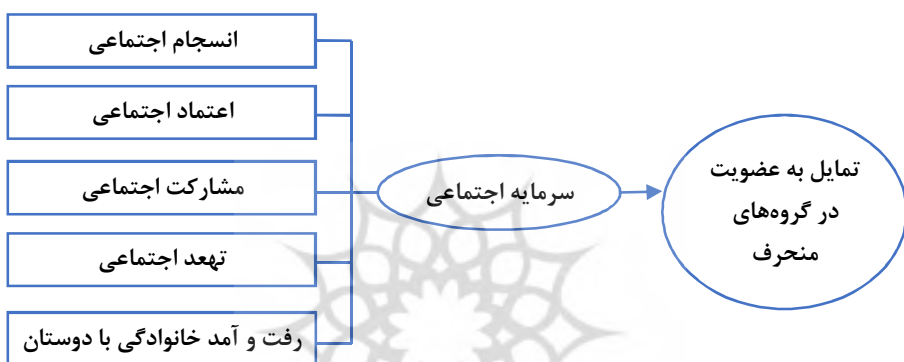
5 -Skinheads

6 -Rockers

7 -Panks

در واکاوی آثار مربوط به رابطه سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی نیز متغیرهای سرمایه اجتماعی بیشتر به تأثیرگذاری بر روی رفتار بزهکارانه و گروه‌های نابهنجار پرداخته شده است. بنابراین در بین این آثار نیز هیچ تحقیقی یافت نشد که به رابطه سرمایه اجتماعی با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف خارجی پرداخته شود؛ پس پژوهش حاضر از این لحاظ نوآوری خاص خود برخوردار است.

### مدل مفهومی پژوهش



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، در حیطه تحقیقات کاربردی است. به این دلیل که به زمینه‌یابی برای حل مسئله در دنیای واقعی می‌پردازد و می‌توان آن را در موقعیت‌های واقعی و عملی به کار برد. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. با توجه به معیار زمان، این پژوهش جزو تحقیقات مقطعی است که در یک زمان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را ۱۹۰۹۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد را تشکیل می‌دهد که شامل دانشجویان دختر و پسر در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری می‌باشد. به لحاظ بالا بودن تعداد دانشجویان برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با مؤلفه‌های نامعین استفاده و تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب

(نظام‌مند) استفاده شد. به این صورت که جامعه نمونه به دانشکده‌ها تقسیم شده است و از هر گروه تعدادی (۱۰ درصد) به صورت تصادفی انتخاب شده است. سطح تحصیلات تکمیل‌کنندگان پرسش‌نامه‌ها از ۲۰۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده، تعداد ۱۸۸ نفر کارشناسی، ۶ نفر کارشناسی‌ارشد و ۵ نفر نیز دانشجوی دکتری می‌باشند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. است. برای کسب اعتبار صوری، پرسشنامه در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از اخذ دیدگاه متخصصان، اعتبار پرسشنامه حاصل گردید و برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ به شرح جدول شماره (۱) استفاده شد.

جدول ۱. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

مقیاس	خرده مقیاس‌ها	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی	انسجام اجتماعی	۰/۷۸
	اعتماد اجتماعی	۰/۷۵
	مشارکت اجتماعی	۰/۸۳
	تعهد اجتماعی	۰/۸۸
	رفت‌وآمد خانوادگی با دوستان	۰/۷۶
<b>میانگین</b>		
تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف	آشنایی با گروه‌های منحرف	۰/۶۸
	شناخت نسبت به شاخص‌ها و نمادهای گروه‌های منحرف	۰/۷۲
	استفاده خود و دوستان از نمادهای گروه‌های منحرف	۰/۸۱
	<b>میانگین</b>	۰/۸۹

## یافته‌های پژوهش

### الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۲. مشخصات جمعیت‌شناختی متغیرهای پژوهش

عنوان	متغیر	فراوانی	درصد
تحصیلات	کارشناسی	۱۸۸	۹۴/۵
	کارشناسی ارشد	۶	۳/۰
	دکتری	۵	۲/۵
جنسیت	زن	۱۴۵	۷۲/۵
	مرد	۵۵	۲۷/۵
سن	کمتر از ۲۰ سال	۲۴	۱۲/۳
	۲۰ تا ۲۱ سال	۹۲	۴۶/۷
	۲۲ تا ۲۳ سال	۶۱	۳۰/۹
	۲۴ سال و بالاتر	۲۰	۱۰/۱
رشته	روان‌شناسی	۲۳	۱۱/۵
	جغرافیا	۱۶	۸/۰
	مهندسی	۱۵	۷/۵
	اقتصاد	۱۲	۶/۰
	زیست‌شناسی	۱۱	۵/۵
	سایر	۱۲۳	۶۱/۵

جدول شماره ۳. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
انسجام اجتماعی	۳۲/۸۹	۴/۷۹
اعتماد اجتماعی	۲۶/۳۴	۳/۴۷
مشارکت اجتماعی	۳۲/۶۵	۶/۹۸
تعهد اجتماعی	۳۳/۱۱	۴/۵۹
رفت و آمد خانوادگی با دوستان	۱/۷۰	۰/۸۹
تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف	۲/۵۸	۱/۳۸

### ب) یافته‌های استنباطی

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فرضیه اول تحقیق که وجود رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی جوانان و تمایل آنها به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف است تأیید نمی‌شود. توضیح اینکه همان‌طور که در جدول شماره (۴) نشان داده شده است، رابطه

سرمایه اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار نیست و میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۱۹۹ است. بر این اساس فرضیه اول پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین سرمایه اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود. علت این امر شاید این باشد که خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف در دیدگاه کلی مردم منفی نمی‌باشد و بنابراین نسبت به کسانی که به این گروه‌های تمایل دارند برخورد منفی نمی‌کنند.

جدول شماره ۴. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

شاخص تمایل	همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری (sig)	تعداد پاسخگویان
سرمایه اجتماعی	-/۰۹۸	۰/۱۹۹	۱۷۵

در خصوص فرضیه وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف همان‌طور که در جدول شماره (۵) نشان داده شده است رابطه اعتماد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار نیست و میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۰۷ است. بر این اساس این فرضیه که وجود رابطه همبستگی معنادار بین اعتماد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۵. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

شاخص تمایل	همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری (sig)	تعداد پاسخگویان
اعتماد اجتماعی	-/۱۲۹	۰/۰۷	۱۹۰

در خصوص فرضیه وجود رابطه بین مشارکت اجتماعی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف همان‌طور که در جدول شماره (۶) نشان داده شده است رابطه مشارکت اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار نیست. همچنین میزان خطای آزمون (sig) معادل ۰/۲۳ است. بر این اساس این فرضیه که وجود رابطه همبستگی معنادار بین مشارکت اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۶. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی جوانان و تمایل به

خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

شاخص تمایل	همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری (sig)	تعداد پاسخگویان
مشارکت اجتماعی	-/۰۸۶	۰/۲۳	۱۸۸

در خصوص فرضیه وجود رابطه بین انسجام اجتماعی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف همان‌طور که جدول شماره (۷) نشان می‌دهد رابطه انسجام اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار نیست. میزان خطای آزمون (Sig) نیز معادل ۰/۳۴ است. بر این اساس این فرضیه که وجود رابطه همبستگی معنادار بین انسجام اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۷. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین انسجام اجتماعی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

شاخص تمایل	همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری (sig)	تعداد پاسخگویان
انسجام اجتماعی	-/۰۷۰	۰/۳۴	۱۸۳

در خصوص فرضیه وجود رابطه بین تعهد اجتماعی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف همان‌طور که در جدول شماره (۸) نشان داده شده است رابطه تعهد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار نیست. میزان خطای آزمون (Sig) نیز معادل ۰/۸۲ است. بر این اساس این فرضیه پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین تعهد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید نمی‌شود.

جدول شماره ۸. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین تعهد اجتماعی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

شاخص تمایل	همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری (sig)	تعداد پاسخگویان
تعهد اجتماعی	-/۰۱۶	۰/۸۲	۱۸۴

در نهایت در خصوص فرضیه وجود رابطه بین میزان پایبندی به تعهدات دینی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف همان‌طور که در جدول شماره (۹) نشان داده شده است رابطه میزان پایبندی به تعهدات دینی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل

قبولی (۹۵ درصد) معنادار است و میزان خطای آزمون (Sig) معادل ۰/۰۰۰ است. بر این اساس این فرضیه پژوهش که وجود رابطه همبستگی معنادار بین پایبندی به تعهدات دینی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بود، تأیید می‌شود.

جدول شماره ۹. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین میزان پایبندی به تعهدات دینی جوانان و تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

شاخص تمایل	همبستگی پیرسون (R)	سطح معناداری (sig)	تعداد پاسخگویان
میزان پایبندی به تعهدات دینی	-۰/۳۴۱	۰/۰۰۰	۱۸۴

به‌منظور تبیین عوامل مؤثر بر متغیر تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف، متغیرهای مدنظر در این پژوهش از طریق تحلیل رگرسیون چندمتغیری بررسی شد. متغیرهای زمینه‌ای سرمایه اجتماعی و اجزای آن (اعتماد، مشارکت، انسجام و تعهد)، شناخت و پایبندی به تعهدات دینی به‌عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شدند. این متغیرها با روش گام به گام (Step Wise) وارد معادله شدند. بدین ترتیب که متغیری که بیشترین بتا (ضریب تأثیر) را داشت ابتدا وارد معادله می‌شد و چنانچه آزمون T در سطح اطمینان معناداری (۹۵ درصد) بود متغیر وارد معادله می‌شد و در غیر این صورت از معادله حذف می‌شد. از بین متغیرهای ذکرشده، تنها متغیر پایبندی به تعهدات دینی در گروه‌های منحرف تأثیر معناداری بر متغیر وابسته (متغیر تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف) داشت.

جدول شماره ۱۰. خروجی رگرسیون چندمتغیری عوامل مؤثر بر تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف

متغیرها	ضریب تأثیر استاندارد نشده (B)	انحراف استاندارد	ضریب تأثیر استاندارد نشده (Beta)	آماره T	آزمون معناداری
ثابت معادله	۲۳/۰۲	۳/۸۷		۵/۹۳	...
پایبندی به تعهدات دینی	۰/۶۳	۰/۱۴۵	-۰/۳۷۵	-۴/۳۴	...
تمایل به عضویت	۱/۴۵	۰/۳۵۹	۰/۳۵۱	۴/۰۵	...

همان‌طور که در جدول شماره (۱۰) نشان داده شده است بیشترین بتا (ضریب تأثیر) متعلق به متغیر پایبندی به تعهدات دینی (۰/۳۷۵-) است که بر این اساس می‌توان گفت مهمترین متغیری که بر تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف مؤثر است،



پایبندی به تعهدات دینی است. علامت منفی بیانگر جهت معکوس این اثرگذاری است، یعنی هر چه قدر پایبندی به تعهدات دینی افزایش یابد تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف کاهش می‌یابد و برعکس هر چه قدر پایبندی به تعهدات دینی ضعیف‌تر شود تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف بیشتر می‌شود. دیگر اینکه تمایل به عضویت پس از متغیر پایبندی به تعهدات بیشترین ضریب تأثیر را دارد. بتا یا ضریب تأثیر این متغیر «۰/۳۵۱» است که بر این اساس می‌توان گفت هر چه قدر تمایل به عضویت در گروه‌های انحرافی افزایش می‌یابد تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف نیز افزایش می‌یابد.

میزان همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل با متغیر وابسته برابر با ۰/۵۷ است و ضریب تعیین برابر با ۰/۳۲ است، یعنی ۳۲ درصد از واریانس متغیر وابسته از طریق متغیرهای وارد شده در الگو تبیین می‌شود. از میان متغیرهایی که رابطه معنادار با متغیر وابسته دارند بیشترین تأثیر مربوط به متغیر پایبندی به تعهدات دینی در جهت معکوس می‌باشد و تمایل به عضویت با ضریب تأثیر ۰/۳۵۱. پس از آن قرار دارد. به ازای هر یک واحد منفی شدن پایبندی به تعهدات دینی معادل ۰/۳۷ واحد تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱۱. میزان همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و ضریب تعیین و سطح معناداری آنها

همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R square)	مقدار F	سطح معناداری (Sig)
۰/۵۷	۰/۳۲	۱۵/۷۱	...

### بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف پرداخته است. برابر تحلیل یافته‌های توصیفی داده‌ها، از بین متغیرهای مستقل تحقیق بالاترین میانگین مربوط به تعهد اجتماعی با میانگین ۳۳/۱۱ می‌باشد. بعد از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها هر یک از فرضیات تحقیق به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد.

در خصوص فرضیه اول یافته‌های تحقیق نشان داد که بین میزان سرمایه اجتماعی جوانان و تمایل آنها به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف رابطه وجود ندارد. بنابراین نتیجه

این فرضیه با تحقیقات مبارکی (۱۳۹۷) و رایت و فیتپاتریک (۲۰۰۶) همخوانی ندارد. علت این امر این است که خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف در دیدگاه کلی مردم منفی نمی‌باشد و بنابراین نسبت به کسانی که به این گروه‌های تمایل دارند برخورد منفی نمی‌کنند؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که در نمونه آماری مورد بررسی (دانشجویان) نمی‌توان گرایش به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف را مشاهده کرد، زیرا به نظر می‌رسد جامعه آماری تحقیق نسبت به این خرده‌فرهنگ‌ها و کسانی که به آنها تمایل دارند موضع‌گیری منفی دارند. همچنین با توجه به نتایجی که از آزمون فرضیات ارائه شده به دست آمده، می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که شبکه منسجمی از روابط اجتماعی وجود داشته باشد، که مبتنی بر اعتماد اجتماعی باشد. به طور کلی زمانی که اعتماد افراد نسبت به یکدیگر افزایش می‌یابد، روابط افراد به یکدیگر از انسجام بیشتری برخوردار بوده و افراد نسبت به حقوق یکدیگر احساس تعهد و پایبندی بیشتری می‌کنند. در نتیجه وجود روابط سالم با اطرافیان اعتماد و مشارکت را به دنبال دارد و این چرخه سالم، باعث رشد افراد و در نتیجه باعث کاهش انحرافات جامعه می‌شود.

در خصوص فرضیه دوم نشان داده شد که رابطه اعتماد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار نیست. بنابراین نتیجه این فرضیه با تحقیق سلمی و کیویووری (۲۰۰۷) همخوانی ندارد.

در خصوص فرضیه سوم وجود رابطه همبستگی معنادار بین مشارکت اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف تأیید نشد. بنابراین نتیجه این فرضیه با تحقیق سیگرت و وینکل (۲۰۰۴) همخوانی ندارد. پس می‌توان این قضیه را این‌طور تبیین نمود که سرمایه اجتماعی سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل و مشارکت را ایجاد می‌کند و بر اثر فقدان آن به عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، حيله و ... منجر می‌شود. هر قدر شعاع اعتماد در یک گروه گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی زیادتر خواهد بود و به تبعیت آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه افزایش خواهد یافت. پس فقدان سرمایه اجتماعی باعث بروز نابهنجاری و انواع انحرافات اجتماعی را در پی خواهد داشت.

در خصوص فرضیه چهارم رابطه تعهد اجتماعی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵

درصد) معنادار نیست. نتایج این یافته با تحقیق واحدی و محمدی‌آریا (۱۳۹۱) و طالبی (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

در خصوص فرضیه پنجم رابطه میزان پایبندی به تعهدات دینی و تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف، براساس آزمون معناداری رابطه بین دو متغیر در سطح اطمینان آماری قابل قبولی (۹۵ درصد) معنادار است. این همبستگی به صورت منفی و معکوس است یعنی با افزایش پایبندی به تعهدات دینی، تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف کاهش می‌یابد و با کاهش پایبندی به تعهدات دینی تمایل به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف افزایش می‌یابد. نتایج این یافته با پژوهش‌های حیدری چروده (۱۳۹۳) و مهرعلی (۱۳۹۵) و رایت و همکاران (۲۰۰۱) همسو است.

با توجه به این رابطه می‌توان گفت اگر در جامعه روی آشنایی جوانان با مسایل و آموزه‌های دینی کار شود، به راحتی می‌توان از گرایش و جذب آنان به گروه‌های منحرف جلوگیری کرد. بنابراین تقویت و گسترش پایبندی به ارزش‌های دینی و مذهبی در سطح جامعه و به خصوص در بین جوانان به صورت یک مؤلفه بنیادین می‌تواند در ایجاد نظم اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همچنین حفظ توجه به منافع و حقوق دیگران و عدم گرایش به نمادها و عقاید گروه‌های منحرف شود. زیرا پایبندی به امور مذهبی باعث تعهد درونی در بین افراد می‌شود و افراد اگر عملی را مرتکب شوند که مطابق ارزش‌های دینی نباشد، احساس گناه و پشیمانی می‌کنند و همین امر مانع تکرار آن عمل می‌شود. این پژوهش نقش پایبندی به تعهدات دینی را به‌عنوان یک ویژگی جامعه‌شناختی دینی در رابطه با تمایل جوانان به خرده‌فرهنگ گروه‌های منحرف نشان داده و اهمیت پایبندی به تعهدات دینی را در فراهم آوردن فرصت‌های اجتماعی برای رشد افراد جامعه به سمت جامعه‌ای سالم و پویا مورد تأیید قرار می‌دهد. پایبندی به تعهدات دینی با تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف و همچنین با تمایل به خرده‌فرهنگ منحرف رابطه معکوس دارد؛ بنابراین به‌منظور جلوگیری از گرایش و عضویت جوانان به گروه‌های منحرف می‌توان از تقویت پایبندی به تعهدات دینی استفاده کرد. از میان متغیرهایی که رابطه معنادار با متغیر وابسته دارند بیشترین تأثیر مربوط به متغیر پایبندی به تعهدات دینی در جهت معکوس می‌باشد و تمایل به عضویت با ضریب تأثیر ۰/۳۵۱. پس از آن

قرار دارد. یعنی به ازای هر یک واحد منفی شدن پایبندی به تعهدات دینی معادل ۳۷٪ واحد تمایل به عضویت در گروه‌های منحرف افزایش می‌یابد.

### پیشنهادها

- از مسیر رسانه (ملی و محلی) نسبت به افزایش آگاهی والدین از گروه‌ها منحرف و همچنین از طریق تبلیغات و اطلاع‌رسانی و سپس متقاعدسازی افکار عمومی (جامعه) اقدام شود؛
- برنامه‌ریزی و هماهنگی از طریق تمامی رسانه‌های مرتبط با فرهنگ جوانان (نظیر دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، ارشاد اسلامی، حوزه‌های علمیه، سازمان ملی جوانان و ... ) جهت تقویت پایبندی به تعهدات دینی جوانان در دستور کار قرار گیرد؛
- از مسیر رسانه (ملی و محلی) نسبت به تقویت روابط سالم با اطرافیان، اعتماد و مشارکت که باعث رشد افراد و در نتیجه کاهش آنان به سمت خرده‌فرهنگ‌های منحرف شود، اقدام شود؛
- سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بر اساس ابزار و امکانات موجود کیفیت زندگی جوانان را ارتقاء دهند، همچنین تعادل و یکپارچگی فعال در جامعه برای آنان به وجود آورند و با یک نظام تبلیغاتی به تقویت مناسبات و همبستگی‌های اجتماعی بپردازند؛
- پلیس فتا نسبت به شناسایی گروه‌های منحرف اقدام و سپس نسبت به اطلاع‌رسانی و سپس متقاعدسازی افکار عمومی (جامعه)، حساسیت خانواده‌ها و مسئولین از طریق رسانه‌ها اقدام نمایند.

### تقدیر و تشکر

در پایان لازم می‌دانیم از تمام دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد که با تکمیل پرسشنامه تحقیق، ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند کمال تشکر و امتنان را داشته باشیم.

## منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: سمت.
  - امین صارمی، نوذر (۱۳۸۹). انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های متعارض. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
  - تاجبخش، کیان (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه). ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: انتشارات شیرازه.
  - چلبی، مسعود (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی). چاپ اول. تهران: نشر نی.
  - پاتنام، رابرت (۱۳۷۷). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر نی.
  - حیدری چروده، مجید (۱۳۹۴). بررسی میزان و علل نابهنجاری‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان راهنمایی استان خراسان رضوی. مرکز تحقیقات آموزش و پرورش استان خراسان رضوی.
  - ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی جوانان ایران. تهران: انتشارات آگاه.
  - ربانی، رسول (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی جوانان. تهران: انتشارات آوای نور.
  - رحیمی، محمود (۱۳۹۰). بررسی مظاهر و پیامدهای تهاجم فرهنگی در آموزش و پرورش و راه‌های مقابله با آن. مجموع مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره یک، جلد اول، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
  - ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
  - طالبی، اکبر (۱۳۹۲). بررسی بیگانگی ارزشی جوانان با تأکید بر سرمایه اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
  - عموزاده، معصومه؛ پالیزبان، فاطمه؛ عموزاده، مهیا و چترزین، فریبا (۱۳۹۰). مدگرایی و علل آن (نمونه موردی دانشجویان دختر دانشگاه پیام‌نور دره‌شهر). همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان فلاورجان، فلاورجان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان.
- <https://civilica.com/doc/184105/>
- فاریابی، محمد (۱۳۹۶). انحراف اجتماعی و هنجارشکنی در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر جیرفت در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
  - فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن). ترجمه غلام عباس توسلی، چاپ اول. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

- مبارکی، محمد (۱۳۹۷). تحلیل رابطه میزان سرمایه اجتماعی و انحراف در سطح خرد و کلان در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مشکاتی، محمدرضا و مشکاتی، زهرالسادات (۱۳۸۱). سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۵-۳. [http://www.jsi-isa.ir/article\\_25361\\_3e580ea612299d84e9780131cc7e406c.pdf](http://www.jsi-isa.ir/article_25361_3e580ea612299d84e9780131cc7e406c.pdf).
- مهرعلی، حمیدرضا (۱۳۹۵). بررسی گرایش جوانان به گروه‌های ناپهنجار موسیقی غرب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- واحدی، شهرام و محمدی‌آریا، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی (مطالعه موردی: نوجوانان و جوانان شاهد و ایثارگر استان آذربایجان غربی). فصلنامه مطالعات ملی، سال سیزدهم، شماره ۵۰ (۲)، صص ۹۷-۱۲۰. [http://www.rjnsq.sinaweb.net/article\\_99154.html](http://www.rjnsq.sinaweb.net/article_99154.html).
- هاشمی، توج؛ باباپور خیرالدین، جلیل و بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۷). نقش سرمایه روان‌شناختی در بهزیستی روانی با توجه به اثرات تعدیلی سرمایه اجتماعی. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دوره ۱، ش ۴، صص ۱۴۴-۱۲۳. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=163709>.
- Parcel, T. L. & Menaghan, E. G. (1993). Family social capital and children's behavior problems. *Social Psychology Quarterly*, 56 (2), 120-135. <https://doi.org/10.2307/2787001>.
- Hall, Stuart & Jefferson, Tony (2006). *Resistance through Rituals* (2nd edn). Milton Park: Routledge. <https://doi.org/10.1177/17416590070030030902>.
- Salmi, V. & Kivivuori, J. (2007). Crime victimization, exposure to crime news and social trust among adolescents. *Regional Studies*, 13 (3), 255-272. <https://doi.org/10.1177/1103330880701500303>.
- Saegert, S. & Winkel, G. (2004). Crime, Social Capital, and Community Participation. *Community psychology*, 34(3-4), 219-233. <https://doi.org/10.1007/s10464-004-7416-2>.
- Trostel, P. A. (1993). The Effect of Taxation on Human Capital, *Journal of Political Economy*, 101(2), 327-350. <http://dx.doi.org/10.1086/261878>.
- Wright, J. P., Francis T.C., Miller, T. J. (2001). Family social capital and delinquent involvement, *journal of criminal justice*, 29(1). 1-9. [https://doi.org/10.1016/S0047-2352\(00\)00071-4](https://doi.org/10.1016/S0047-2352(00)00071-4).
- Wright, D. R., & Fitzpatrick, K. M. (2006). Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*, 84(3), 1435-1453. <https://doi.org/10.1353/sof.2006.0077>.